**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم**

بحث امامت

از کتاب آموزش عقاید استاد محمدتقی مصباح یزدی

نوشته عبدالجواد ابراهیمی

# امامت

نقطه اصلی اختلاف میان شیعه و سنی در بحث امامت این است:

شیعیان معتقدند که امامت مَنصبی الهی (مقامی الهی) است که باید از طرف خدا به کسی که صلاحیت دارد داده شود؛ اهل سنت معتقدند که امامت الهی مانند نبوت و رسالت، با رحلت پیامبر خاتمه یافته و پس از آن تعیین امام به مردم واگذار شده است. اهل سنت با پذیرفتن مشروعیت امامت بدون نصب الهی، اولین پایه جدایی دین از سیاست را نهاده‌اند که همین بزرگ‌ترین نقطه انحراف از مسیر صحیح اسلام راستین شده است.

# مفهوم امامت

امامت در لغت یعنی هر کسی که متصدی (مسئول) رهبری گروهی شود

در اصطلاح امامت یعنی: ریاست همگانی و فراگیر بر جامعه اسلامی در همه امورات دینی و دنیوی

# مسائل بنیادین امامت و نقاط اختلاف شیعه و سنی عبارتند از:

1. یک امامت امام باید از طرف خدا نصب شود
2. باید دارای علم خدادادی و مصون از خطا باشد
3. باید معصوم از گناه باشد

# نیاز به وجود امام

از کجا می‌دانیم که نیاز به وجود امام داریم؟ شیعه امامت را به‌‌عنوان یک اصل اعتقادی می‌شناسد

1. ضرورت وجود امام یک مقتضای حکمت الهی آن است که پیامبران را برای هدایت انسان‌ها و اجرای قوانین اجتماعی دین مبعوث کند
2. دین اسلام همگانی و جاودانه است و باید پاسخ‌گوی همه نیازهای بشر باشد
3. تفاصیل (توضیح) احکام قرآن به‌عهده پیامبر اکرم گذاشته شده است ولی:
	1. الف) با وجود این‌همه شرایط دشوار و کوتاه زندگی پیامبر (ص)، اجازه نمی داد که همه قوانین و احکام اسلام را برای عموم مردم بیان کند و
	2. ب) ضمانتی برای محفوظ ماندن ماندن آن احکام نیز نبود
4. به شرطی دین اسلام می‌تواند به‌‌عنوان یک دین کامل و پاسخ‌گوی نیازهای همه انسان‌ها تا آخر جهان باشد که در متن دین راهی برای تامین مصالح ضروری جامعه پیش‌بینی شده باشد و این راه چیزی جز نصب جانشین شایسته برای پیامبر نخواهد بود

سوال: ضرورت وجود امام را بیان کنید؟

# نَصب (منصوب شدن) امام

ختمِ نبوت (پایان پیامبری) بدون نَصب امامِ معصوم، مخالفِ حکمت الهی است لذا در قرآن می‌فرماید «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممتُ علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الاسلام دینا» (سوره مائده آیه 3) ضمن اشاره به ماجرای غدیر خم و نصب امامت دارد. روایتی (حدیثی) از پیامبر (ص) داریم که می‌گوید «تمام نُبُوَّتی و تمام دین الله ولایت علیّ بعدی» اکمال و اتمام (کامل و تمام شدن) دین که توأم با ناامید شدن کفار از آسیب پذیری اسلام بود با نصب جانشین پیامبر (ص) تحقق یافته است. بعضی از بزرگان اهل تسنن (سنی‌ها) همچون حموینی نقد کرده اند که در روز غدیر، ابوبکر و عمر از پیامبر (ص) پرسیدند که آیا ولایت مخصوص علی است پیامبر فرمودند مخصوص علی و اوصیاء من تا روز قیامت است پرسیدند اوصیای شما کیستند؟ فرمودند «علی اخی و وزیری و وارثی و وصیی و خلیفتی فی اُمَّتی و ولیُّ کُلُّ مؤمن من‌بعدی ثم ابنی الحسن ثم ابن الحسین ثم تسعة من وُلد ابنی الحسین واحدا بعد واحد القرآن معهم و هم مع القرآن لا یفارقونه و لا یفارقهم حتی یردوا علیَّ الحوض» یا آیه دیگری می‌فرماید «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیکم ربک و ان لم تفعل فما و بلّغت رسالته والله یعصمک من الناس» (آیه 67؛ سوره مائده) آیه دیگری نیز فرموده که «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی‌الامر منکم» سوره نساء آیه 59) این آیات نشان از نصب حضرت علی دارد که بسیاری از اهل تسنن اشاره کردند که این آیه درباره حضرت علی ع است

روایت دیگری از جابرابن عبدالله انصاری است که از شیعه و سنی نقل شده که فرمود از حضرت پیامبر پرسید اولی‌الامر که اطاعتشان مقرون به اطاعت شماست چه کسانی هستند و در آن روایت پیامبر نام ائمه را یکی پس دیگری ذکر نموده است و پیش‌بینی کرد که پیامبر جابر تا زمان امام باقر زنده بماند و سلام رسول خدا را به امام باقر برساند

سوال اینجاست که:

# چرا ولایت حضرت علی ع رو بیشتر مردم نپذیرفتند بااینکه این‌همه آیات و روایات و تأکیدات بر آن شده بود؟

1. بسیاری از مردم از حضرت علی (ع) به ظاهر آسیب‌هایی دیده بودند و در جنگ‌های مختلف حضرت علی (ع) نزدیکان آن‌ها را به دلیل جنگ با پیامبر کشته بود و بسیاری از مردم کینه حضرت علی (ع) را بر دل داشتند
2. برخی دیگر نیز از بزرگان، به خاطر جایگاه حضرت علی و شرایط ایشان حسادت به ایشان می‌ورزیدند و دوست نداشتند ایشان به ولایت و حکومت برسد
3. برخی به دنبال رسیدن به حکومت بودند و بهره برداری از این حکومت بزرک به نفع خویش
4. بسیاری از عدالت حضرت علی (ع) و عدم انعطاف او و عدم کوتاهی او در دین متنفر بودند
5. برخی بی تفاوت بودند

# عصمت و علم امام

# اختلاف شیعه و سنی درباره امامت در سه مورد است

1. یک امامت امام باید از طرف خدای متعال نصب شود
2. باید دارای ملکه عصمت باشد
3. باید دارای علم خدادادی باشد

که ما پیرامون دو موضوع عصمت و علم خدادادی در اینجا سخن خواهیم گفت

# عصمت امام (بدون گناه و بدون خطا بودن امام)

دلایل قرآنی بر معصوم بودن امام

1. آیه «لا ینال عهدی الظالمین» سوره بقره آیه 124) که می‌فرماید خداوند عهد من به ظالمین نمی‌رسد از این آیه می‌‌توان فهمید که: هیچ گنهکاری به دلیل این‌که گناه جزء ظلم ها به حساب می‌آید نمی‌تواند منصب الهی امامت را برعهده بگیرد
2. آیه دوم آیه اولی‌الامر است که آن اطاعتِ مطلق از اولی‌الامر، لازم شمرده شده و آن را در کنار اطاعت رسول خدا قرار داد می‌فهمیم که اطاعت ایشان نباید منافاتی با اطاعت خدا داشته باشد پس باید ایشان هم معصوم باشند و و تمام رفتارهای آن‌ها مانند پیامبر خدا بدون گناه و بدون اشتباه باشد تا بتوانند در رده خدا و رسول خدا قرار گیرند
3. آیه سوم آیه تطهیر: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا» (آیه 33، سوره احزاب) که مطلقاً هرگونه رجس و پلیدی که از اهل‌بیت دور شده است (یعنی عِصمَت دارند) و کاملاً پاک هستند.

تذکر بیش از هفتاد روایت که اغلب آن‌ها را علمای اهل سنت گفته‌اند دلالت بر این دارد که آیه شریفه در شأن پنج تن نازل شده است

دلایل روایی بر معصومیت امام

1. در حدیث ثقلین نیز پیامبر(ص) اهل‌بیت خود را هم‌سنگ و مساوی و هم‌ردیف قرآن قرار داده است و تاکید کرد که هیچ‌گاه از آن جدا نمی‌شوند و این نشان می‌دهد که ائمه عصمت دارند زیرا هر گناهی ولو کوچک باشد جدایی عملی از قرآن است
2. روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد اما روایت ثقلین مورد اجماع شیعه و سنی است.

# علم امام

عقلاً مشخص است که علم امام یعنی پیشوای جامعه و حاکم جامعه باید از همه افراد بالاتر باشد و اشتباه او نیز از همه کمتر باشد اما درباره امام معصوم این علم به حد اعلای خود می‌رسد یعنی به‌هیچ‌وجه گناهی ندارند و علم آن‌ها علم بی‌نهایتی است که از جانب خدا آمده است

اما روایات و آیاتی که به علم امامان اشاره دارند

آیات و روایاتی از پیامبر درباره علم امامان گفته شده‌است که «ولا تعلِّمُوهم فإنهم أعلم منکم» شما آن‌ها را تعلیم ندهید آن‌ها از شما آگاه ترند (اصول کافی؛ جلد1؛ ص 294)

«انا مدینه العلم و علیّ بابها» (مستدرک حاکم؛ جلد 3؛ ص226) من شهر علم هستم و علی راه ورود به آن است

از حضرت علی (ع) نیز نقل شده که فرموده «اِن رسول الله علّمنی الف باب و کل یفتح الف باب فذالک الف الف باب» یعنی پیامبر هزار باب علم به من آموخت که هر بابی هزار باب دیگر می‌گشاید و مجموعاً می‌شود هزار هزار باب (یعنی یک میلیون) و تا آن‌جا که از هر چه بوده و تا روز قیامت خواهد بود آگاه شدم و علم منایا و بلایا (مرگ‌ها و مصیبت‌ها) و فصل‌الخطاب (داوری به حق) را فراگرفتم.

ائمه علاوه بر آنچه از پیامبر(ص) فرامی‌گرفتند، از نوعی علوم غیرعادی نیز بهره‌مند بوده‌اند که به‌صورت الهام و «تحدیث» به ایشان افاضه می‌شده و با چنین علمی بوده که بعضی ائمه که در سن طفولیت به مقام امامت رسیده بودند از همه چیز آگاه بودند و نیازی به تعلم و یادگیری از دیگران نداشتند (همچون امام جواد (ع))

# اما برخی آیات که بر این مساله اشاره دارد و علم امام را نشان می‌دهد:

«قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب» بگو برای شهادت میان من و شما، خدا و کسی که علم کتاب دارد کافی است و در آیه‌ای دیگر گفت «آن کسی که تخت بلقیس به چشم بهم زدنی برای حضرت سلیمان آماده کرد فقط بخشی از "علم الکتاب" را داشت؛ پس کلِّ علمُ الکتاب که درباره حضرت علی (ع) است (به دلیل روایی)، بسیار بالاتر و والاتر است از کسی که توانست به چشم بهم زدنی آن تخت را از یمن به فلسطین ببرد.

آیه بعدی «افمن کان علی بینة من ربه و یتلوه شاهد منه ....» (سوره هود؛ آیه 17) هم شیعه و هم سنی گفته‌اند درباره حضرت علی علیه‌السلام است.

# روایات وارده درباره علوم اهل‌بیت:

1. از حضرت رضا علیه‌السلام فرموده که هنگامی که خدای متعال کسی را به‌‌عنوان امام برای مردم برمی‌گزیند به او سعه صدر عطا می‌کند و چشمه‌های حکمت را در دلش قرار می‌دهد و علم را به وی الهام می‌کند تا برای جواب از هیچ سوالی در نماند و در تشخیص حق سرگردان نشود پس او معصوم و مورد تأیید و توفیق و تسدید الهی بود از خطاها و لغزش‌ها درامان خواهد بود و خدای متعال این خصلت‌ها را به او می‌دهد تا حجت خدا بر بندگان و شاهد بر آفریدگانش باشد.
2. امام صادق می‌فرماید امامی که نداند چه مصیبتی به او می‌رسد و کار او به کجا می‌انجامد حجت خدا بر بندگانش نخواهد بود (بحارالانوار؛ ج 26؛ ص 58 و اصول کافی ج 1؛ ص 258)

# حضرت مهدی ع

روایات زیادی از شیعه و سنی از پیامبر نقل شده درباره حضرت مهدی علیه‌السلام و حکومت الهی جهان

هدف الهی از مبعوث شدن پیامبران فراهم شدن زمینه و شرایط برای سیر و حرکت اختیاری انسان‌ها (نه الزام و اجبار) برای پذیرفتن دین حق و پیروی از رهبران الهی است ولی این مساله تحقق یافته است.

اما اهداف دیگری نیز از بعثت ایشان منظور بود که هدف نهایی آن تشکیل جامعه ایده‌آل بر اساس خداپرستی و ارزش‌های الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین می باشد که آیه «لیظهره علی الدین کلّه» سوره توبه؛ آیه 33 به این مسئله اشاره دارد

# وعده الهی

# آیات

«و لقد کتبنا فی الزبور من‌بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» انبیاء؛ آیه 105

«و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» قصص آیه 53

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی‌الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» سوره نور آیه 55

# روایات

روایات زیادی نیز اشاره شده که از شیعه و سنی از پیامبر نقل شده است درباره حضرت مهدی مانند این روایت که:

1. اگر یک روز از عمر جهان بیشتر باقی نمانده باشد خدای متعال آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل‌بیت من و هم نام من به حکومت برسد صحیح ترمذی جلد 2 ص 46
2. از ام سلمه نیز روایت شده از رسول خدا که فرمود مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است. (اسعاف الراغبین؛ ص 186)

# غیبت و راز آن

1. از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده که قائم ما غیبتی درازمدت دارد و گویا شیعیان را می‌بینم که در زمان غیبت او همانند حیوان گرسنه ای که دنبال مکان غذایش می گردد در جستجوی اویند ولی او را نمی‌یابند
2. یا از امام سجاد نقل شده است پدرش امیرالمؤمنین که قائم ما دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر از دیگری است. تنها کسانی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشند بر امامت او ثابت می‌ماند

# سرگذشت امامان شیعه

حضرت علی (ع) که بعد از حکومت خلفای سه‌گانه حاکم جامعه اسلامی شد دوران حکومت چندساله خود را به جنگ با اصحاب جمل و جنگ با معاویه و خوارج سپری نمود و سرانجام بدست یکی از خوارج به شهادت رسید.

امام حسن (ع) نیز به دستور معاویه مسموم شد و پس از مرگ معاویه فرزندش یزید بر اریکه سلطنت تکیه داد و می‌رفت که نام و نشانی از اسلام باقی نگذارد ازاین‌رو امام حسین (ع) چاره‌ای جز قیام ندید و با شهادت مظلومانه‌اش مسلمانان را تا اندازه‌ای هوشیار و بیدار کرد و اسلام را از نابودی نجات داد

سایر ائمه نیز به تحکیم مبانی عقیدتی و نشر معارف و احکام اسلام و تربیت و تهذیب نفوس (انسانها) مستعد پرداختند و توانستند با تحمل مشکلات فراوان حقایق اسلام را بخشی به‌صورت عمومی و بخشی بطور خصوصی برای شیعیان و اصحاب خاص خود بیان کنند و بدین سان بقاء دین پیامبر تضمین گردید.

# فایده وجود امام در زمان غیبت

مردم از فیض آن حضرت بهر می‌برند و مانند خورشید پشت ابر از نور او استفاده می کند چنانچه افراد بی‌شماری برای رفع گرفتاری‌های مادی و معنوی از آن بزرگوار بهره‌مند شده‌اند و اساساً حیات آن حضرت عامل مهمی برای دلگرمی و امیدواری مردم است تا خود را اصلاح و آماده ظهور کنند.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته